

می گویند فرمان مرگ او وجهه قانونی داشت. ولی درست و غلط دیدن آن حکم بستگی به این دارد که از چه زاویه به آن نگاه شود و از موضع کدام سنت فکری مورد قضاوت قرار گیرد. به نظر من، نمونه ملکه الیزابت اول به هیچ وجه به معنای قدرت پیدا کردن زنان در انگلستان آن عصر نبود.

✱ حالا وقتش است که دوباره نقل قولی از خود شما بیاورم. می نویسید: در حقیقت این قدرت‌مندان هستند که بر جهان حکم می رانند. منتها، اعمال قدرت مردان بر زنان و اعمال قدرت اولیاء بر فرزندان هم چیزی از همین امر کلی است. با این حساب، آیا امکان این وجود ندارد، یا اصلاً بهتر نیست که ما زنها به طور کلی از قدرت فاصله بگیریم، از سلطه جویی و اعمال زور بر موجودات دیگر بوری کنیم؟

- شما خاطرتان هست، ما در این مورد با هم صحبت کردیم که اگر می شد دنیایی فارغ از اعمال سلطه محقق شود، روزگار بر وفق مراد و زندگی دلنشین می شد ... بله، اگر قدرت به معنای ظلم و ستم به زبردستان و ضعیفان است، باید با آن درافتاد و مبارزه کرد. از چنین ستمکاریها و قدرتی باید دوری جست. این موضع، مبنای هر کردار انسانی و فعالیت یک جمع منورالفکر و جزئی از هر گونه اندیشه حقیقتاً روشنگر است. اما، به این واقعیت نیز باید توجه داشت که مثلاً یک طفل خردسال، خواهی نخواهی در سالهای اول زندگیش ضعیف و بی دفاع است، یعنی در معرض خودسری و قلدری بزرگترها - و همچنین اولیاء خودش - قرار دارد. بنابراین، مسأله بر می گردد به این که آدم چه موقع، در کجا و به چه صورت قدرت بالقوه اش را به کار می برد. به عبارت دیگر کی، کجا و چگونه اعمال قدرت می کند و بر روند رویدادها اثر می گذارد. در این جامعه فعلی که ما زنها چندان قدرت تأثیرگذاری نداریم، از طرفی با سلسله مراتب قدرت مردها رو به رو هستیم که دیدیم روی سیر تاریخ چه تأثیرات فلاکتباری داشته است. پس ناگزیر، برای شکستن این دور باطل و انحلال ساختارهای حاکم، باید نفوذمان را از قوه به فعل درآوریم و قدرتمان را به کرسی نشانیم. خاطرتان هست که طرح و بررسی مسایل مربوطه، که این مهم کی، کجا و به چه ترتیب صورت می گیرد، اصلاً جزئی از موضوع محوری صحبت‌مان بود.

## توضیحات :

۱- Olympe de Gouges

۲- Anthroposophie مکتب فلسفی - پزشکی که پایه گذار آن رودلف اشتاینر. فیلسوف و دانشمند اتریشی بود (۱۸۶۱-۱۹۲۵). مبنای عقاید وی این فرضیه بود که انسان یک کلیت پیوسته و تام از ابعاد بدنی، روانی و روحی است. بر اساس این ایده اصلی، روشهای پژوهشی تازه ای در رشته های مختلف علمی به وجود آمد. از جمله طب آنتروپوسوفی پیدا شد که در آن امراض به دو دسته -التهابها و فرسایشها- تقسیم می شوند. در کار تشخیص و درمان می باید همه جوانب وجودی بیمار مد نظر باشند. م

۳- سعدی: بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند  
چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها نماند قرار

۴- Partnerschaft

۵- Grone Witwen

۶- در متن آلمانی مفهوم Regression ، Regredieren به کار رفته است که در روانکاوی فروید به معنای بروز رفتارهای بچه گانه در بزرگسالان است، یک نوع سپر دفاعی در موقعیتی که امیال به سبب حجب حضور و شرم و حیاء دچار نامرادی باشند. م

۷- ماری استوارت (۱۵۴۲-۱۵۸۷)، ملکه اسکاتلند که در پی یک قیام از آن جا فرار کرد و به ملکه انگلیس پناه برد ولی به زندان افتاد، ۱۹ سال در بند بود و بعد او را گردن زدند. م





خانم مارگارت میچرلیش، متولد ۱۹۱۷ در گراستن / دانمارک، طبیب و روانکاو شهیر دانمارکی - آلمانی زبان، عضو قدیمی هیات علمی جامعه زیگموند فروید در شهر فرانکفورت و همکار شماری از پرآوازه ترین انجمنهای بین‌المللی روانشناسی است. او در عین حال یکی از برجسته ترین کوشندگان فمینیست و از پیش کسوتان جنبش‌های و استیفای حقوق زنان به شمار می‌رود.

همسر متوفی او، پورفسور الکساندر میچرلیش، معروفترین دانشمند روانکاو در دوران بعد از جنگ آلمان به شمار می‌رود.

خانم دکتر میچرلیش آثار بسیار زیادی در زمینه‌های نقد مسائل اجتماعی - سیاسی از منظر روانکاوی، و نیز در مبارزه و رهایی زنان نوشته است. اغلب این کتابها بسیار بحث‌انگیز بوده و با استقبال گسترده‌ای روبرو شده‌اند. یکی از کتابهایی که به اتفاق همسرش نگاشت (Die Unfähigkeit zu trauen) اخیراً به چاپ پانزدهم رسیده است.

کتاب معروف فمینیستی اش، (زن سر به راه، Die Friedfertige Frau) که در سال ۱۹۸۷ انتشار یافت، فقط تا سال ۱۹۹۴ هفت بار تجدید چاپ شد (هر بار با تیراژ بالاتر از صد هزار نسخه). این اثر گفتمان تازه‌ای در جنبش روشنفکری - فمینیستی ممالک آلمانی زبان به وجود آورد. ادامه همین بحثها باعث شد که خانم گلاویس وایگنر، از پنگاه انتشارات pendo، بارها به دیدار دکتر میچرلیش رود و گفت و شنودی طولانی با او داشته باشد. حاصل این نشستها به صورت کتاب حاضر، اولین بار در همان سال ۱۹۸۷ منتشر شد و به نوبه خود مورد استقبال فراوان واقع گردید. این کتاب نیز تاکنون بارها تجدید چاپ شده است.